رویداد - ۱

رونالدو یوونتوسی شد

انتقال بزرگ

عصر روز گذشته باشگاه رئال مادرید در یک بیانیه رسمی انتقال کریستیانو رونالدو به یوونتوس را تایید کرد. رئال مادرید در بیانیه‌اش اعلام کرد «به درخواست رونالدو احترام گذاشتیم.» و با این لحن نشان داد که رفتن کریستیانو از رئال مادرید به مدیران باشگاه مربوط نبوده و تصمیم شخصی کریستیانو ترک باشگاه بوده. رقم قطعی این انتقال ۱۰۰ میلیون یورو است. یعنی تنها ۱۰ درصد از مبلغ فسخ قرارداد کریستیانو رونالدو. پرس از چند سال پیش اعلام کرده بود که رونالدو اگر به هر شکلی بخواهد از این تیم جدا شود باید هزار میلیون یورو بپردازد. گمان می‌شد با این رقم برچسب غیرقابل فروش روی کریستیانو رونالدو خورده باشد، اما این بازیکن از وضعیتش در مادرید راضی نبود و خواهان دستمزد خیلی بیشتری بود. او در مادرید در هر سال حدودا ۲۰ میلیون یورو می‌گرفت، اما ماجرای مالیات و گرفتاری‌های آن هم گریبانگیرش می‌شد. در یوونتوس او سالانه ۳۰ میلیون یورو درآمد خالص خواهد داشت. بعد از رفتن بوفون از یووه و پیوستنش به پاری‌سن‌ژرمن، این دومین خبر عجیب نقل و انتقالاتی این فصل بود. اما موج این خبر به صورت دومینووار گریبان خیلی از باشگاه‌های مطرح را خواهد گرفت. مساله جانشینی رونالدو موضوع ساده‌ای نیست و باید دید این انتقال چه تاثیری روی ورودی‌ها و خروجی‌های باشگاه‌های دیگر خواهد داشت. احتمالا ایگواین از یووه برود و بخشی از انتقال رونالدو با فروش او جبران خواهد شد. همچنین بازیکنانی مثل نیمار، امباپه، ادن آزار و هری کین تحت تاثیر این انتقال هستند و به عنوان جانشین رونالدو از آنها نام برده می‌شود. اگر هر کدام از آنها به جمع کهکشانی‌ها بپیوندد، باشگاهش باید برای جبران کردن خلأ به وجود آمده یک خرید دیگر بکند و به همین خاطر منتظر تابستانی داغ در فوتبال اروپا باشید. رونالدو حالا یک یوونتوسی شده است. رونالدو در بیانه‌ای در این مورد گفت: «۹ سال شگفت‌انگیز را در رئال مادرید سپری کردم که بی‌شک بهترین لحظات عمر من بود. باید از باشگاه رئال مادرید، این شهر و هواداران به خاطر لذت، عشق، محبت و شادی بی‌حدی که به من اعطا کردند تشکر کنم.»

رویداد - ۲

امشب در مرحله نیمه‌نهایی

کرواسی به مصاف خستگی می‌رود

هیچ چیزی الان به اندازه خستگی ساق‌های بازیکنان کرواسی، نباید هواداران و کادر فنی این تیم را نگران کند؛ چرا که آنها نشان داده‌اند تیم قدری هستند و فوتبال را به خوبی بازی می‌کنند و از لحاظ سطح کیفی هیچ چیزی از انگلیس کم ندارند. تنها مشکل کروات‌ها اتفاقی است که در دو بازی قبلی این تیم رخ داد. دو تا ۱۲۰ دقیقه کامل و ادامه دادنش در ضربات پنالتی، احتمالا هم از لحاظ بدنی و هم از لحاظ روحی تیم کرواسی را خسته کرده. البته اینکه آنها هر دو بازی را برده‌اند، شاید باعث شود که تصور کنیم این تیم از نظر روحی در وضعیت مطلوبی است، اما یادمان نرود که فشار سنگین و استرس بالای حضور در وقت‌های اضافه و بدتر از آن ضربات پنالتی ذهن بازیکنان تیم را خسته و فرسوده کرده. در تاریخ جام جهانی سابقه نداشته تیمی دو تا بازی کامل ۱۲۰ دقیقه‌ای به انضمام ضربات پنالتی را پشت سر بگذارد و سه، چهار روز بعد سه‌باره بخواهد بازی کند، چرا که همه تیم‌هایی که این اتفاق برای‌شان رخ داده در بازی سوم نتوانستند به موفقیت برسند و از گردونه رقابت‌ها خارج شدند؛ غیر از آرژانتین جام جهانی ۱۹۹۰ و کره جنوبی جام جهانی ۲۰۰۲. آرژانتین در جام جهانی ۹۰ توانست یوگسلاوی و ایتالیا را در ضربات پنالتی ببرد و راهی فینال شود. سرنوشت آرژانتین آن سال شکست در فینال مقابل آلمان بود. با اینکه فاصله بازی آخر آلبی‌سلسته تا فینال پنج روز بود، اما نمی‌توان کتمان کرد که خستگی ناشی از دو بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای پیاپی روی کیفیت کار آرژانتین تاثیر گذار بوده. کره جنوبی هم در جام جهانی ۲۰۰۲ مقابل ایتالیا در دقیقه ۱۱۷ برنده شد و بعد مقابل اسپانیا هم در ضربات پنالتی به پیروزی رسید و می‌شود گفت این تیم تقریبا بعد از دو تا ۱۲۰ دقیقه به مصاف آلمان رفت که بازی را باخت. جالب است که هر دو تیمی که بعد از دو بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای راهی بازی بعد شده‌اند، به پست آلمان خورده‌اند و آلمان هم هر دو بار با یک گل پیروز شده. اما این‌بار که کرواسی بعد از دو بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای راهی مرحله بعد شده، آلمانی وجود ندارد! با توجه به پیشرفته‌تر شدن علم ورزش و آمدن دستگاه‌های جدیدتر و متدهای نوتر بازیکنان از لحاظ بدنی وضعیت به مراتب بهتری نسبت به گذشته دارند. فوتبال سال ۲۰۱۸ در مقایسه با دهه ۸۰ و ۹۰ بسیار پرفشارتر است. بازی‌های باشگاهی با فاصله کمتری برگزار می‌شود. اما این پیشرفت چشمگیر هم نمی‌تواند باعث شود که فکر کنیم بازیکنان کرواسی بی‌خستگی دو بازی قبل، مقابل انگلستان به زمین خواهند رفت. اثر خستگی حتی باعث شده که مصدومیت‌هایی نیز به وجود بیاید. ورسالیکو در تمرینات دچار مصدومیت شده و احتمالا بازی مقابل انگلیس را از دست خواهد داد.

نظر

ژرمنیسم ناتمام

اگرچه پس از حذف شرم‌آور تیم ملی آلمان از جام جهانی، یواخیم لو در سمت خودش ابقا شد و این تصمیم فدراسیون فوتبال آلمان با عقلانیت آلمانی حاکم بر فوتبال این کشور همخوانی دارد اما یواخیم لو در جام ۲۰۱۸ یک‌بار دیگر ثابت کرد نمی‌تواند ورق شرایط حاکم بر بازی را برگرداند. لو از زمانی که سرمربی تیم آلمان شده، در شش تورنمنت مهم حضور داشته است. سه جام ملت‌های اروپا و سه جام جهانی. یکی از مشکلات بزرگ لو در این شش تورنمنت، ناتوانی تیم وی در پیروز شدن در اکثر مسابقاتی بود که آلمان گل اول بازی را در آن مسابقه دریافت می‌کرد. در واقع ژرمن‌ها به رهبری یواخیم لو در این شش تورنمنت فقط دو بار موفق شدند پس از دریافت گل اول بازی، نهایتا پیروز از میدان مسابقه خارج شوند. مورد دوم، همین برد ۲ بر یک آلمان مقابل سوئد در جام ۲۰۱۸ بود، مورد اول هم پیروزی ۳ بر ۲ آلمان در برابر ترکیه در نیمه‌نهایی یورو ۲۰۰۸. مقابل سوئد، آلمان نیمه اول را یک بر صفر باخت، در بازی با ترکیه در سال ۲۰۰۸ هم، ابتدا ترک‌ها در دقیقه ۲۲ به گل رسیدند. اما جدا از این دو مورد، سایر مواردی که آلمان یواخیم لو از حریفانش عقب افتاد، در بهترین حالت با نتیجه مساوی از زمین بازی خارج شد در این شش تورنمنت مذکور. ژرمن‌ها در یورو ۲۰۰۸ در بازی با کرواسی، گل اول را از کروات‌ها دریافت کردند و نهایتا ۲ بر یک مغلوب حریف شدند. در فینال هم از اسپانیا گل خوردند و بازی را یک بر صفر باختند. در جام جهانی ۲۰۱۰ هم در مرحله گروهی از صربستان گل خوردند و بازی را یک بر صفر به صرب‌ها باختند. در نیمه‌نهایی همان جام نیز مجددا از اسپانیا گل خوردند و بازی را یک بر صفر باختند. در یورو ۲۰۱۲، در نیمه‌نهایی از ایتالیا گل اول بازی را دریافت کردند و ۲ بر یک باختند. در جام جهانی ۲۰۱۴ نیز آلمان در بازی با غنا بعد از اینکه جلو افتاده بود، ۲ بر ۱ عقب افتاد و نهایتا با تساوی ۲ بر ۲ از زمین خارج شد. در یورو ۲۰۱۶ نیز آلمان در نیمه‌نهایی گل اول را از فرانسه دریافت کرد و آخرالامر ۲ بر صفر بازنده از زمین خارج شد. در همین جام جهانی ۲۰۱۸ نیز، جدا از مورد استثنایی بازی با سوئد، تیم یواخیم لو در بازی با مکزیک گل اول را خورد و یک بر صفر بازنده از زمین بیرون آمد و در بازی با کره جنوبی هم گل اول را خورد و گل دوم را هم خورد! ناتوانی آلمان تحت هدایت یواخیم لو در پیروز شدن در بازی‌هایی که تیم حریف گل اول بازی را به ثمر رسانده، خصلتی کاملا غیرآلمانی است که با تاریخ فوتبال آلمان منافات دارد. ژرمن‌ها استاد برگرداندن ورق تقدیر در بازی‌هایی بودند که از تیم حریف عقب می‌افتادند. از پیروزی مقابل انگلیس در یک‌چهارم نهایی ۱۹۷۰ که بازی ۲ بر صفر باخته را ۳ بر ۲ بردند، تا پیروزی مقابل فرانسه در نیمه‌نهایی ۱۹۸۲ که بازی ۳ بر یک باخته را به تساوی ۳ بر ۳ کشاندند و در ضربات پنالتی پیروز شدند، مثال‌های متعددی می‌توان زد که آلمان گل اول بازی را دریافت کرده و نهایتا برنده از زمین خارج شده است. چرا تیم یواخیم لو فاقد چنین خصلتی بود؟ این سوالی است که در روزهای آتی بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

دیدگاه - ۱

دیگر کسی برای جام جهانی اشک نمی‌ریزد

علی ولی‌اللهی

فرآیند ستاره شدن ماجرای پیچیده‌ای است. اینکه یک نفر دایم توی چشم باشد، شاید باعث شود بعد از مدتی عطش موفقیت را از دست بدهد و مترهایش برای اندازه‌گیری پیشرفت عوض شود. بسیار شاهد بوده‌ایم که ستاره‌های فوتبال بعد از مدتی دیگر آن حس ناب و اصیل را در مورد فوتبال ندارند و نگاهی روزمره به ستارگی دارند. از این تورنمنت به آن تورنمنت. از این تیم به آن تیم. و در همه حال زیر ذره‌بین رسانه‌ها؛ که باعث می‌شود هیچ‌وقت شهرت‌شان کاهش پیدا نکند. صفحات مجازی هم همیشه آتش‌بیار معرکه هستند و با تبدیل میزان کیفی شهرت به یک عدد مشخص، ستاره‌ها را از میزان محبوبیت‌شان مطمئن می‌کنند. شاید همین امر باعث شده که خیلی از ستاره‌های دنیای مستطیل سبز، دیگر آن اهمیتی را که قهرمانان سابق فوتبال برای مسابقاتی مثل جام جهانی قائل بودند، قائل نباشند. نیازی نیست خیلی راه دور برویم. همین جام جهانی روسیه را کافی است با جام جهانی ۹۰ مقایسه کنیم. کافی است اشک‌های تمام‌نشدنی مارادونا بعد از فینال جام جهانی ۹۰ را با قیافه حق‌به‌جانب رونالدوی حذف‌شده مقابل اروگوئه مقایسه کنیم. کافی است نگاه کنیم به کرایوفی که هیچ‌وقت نتوانست ضربه روحی ناشی از باخت در فینال ۱۹۷۴ را فراموش کند، بگذاریم کنار پیتر چکی که بعد از اشتباه عجیبش مقابل نیهات قهوه‌چی ترک و حذف در یورو ۲۰۰۸، گفت: من واقعا خسته شده بودم و الان خوشحالم که جام به پایان رسیده، چون می‌توانم بروم استراحت کنم. واقعیت دنیای امروز همین است؛ دنیایی که ستاره‌هایش همانقدر که دوست دارند موفق شوند، به همان اندازه به تعطیلات‌شان اهمیت می‌دهند. به استراحت و پول درآوردن هم فکر می‌کنند. کار به جایی می‌رسد که بازیکنی در حد سردار آزمون هم بابت دیرتر رفتن به تعطیلات به دلیل حضور در جام جهانی، سر هواداران منت می‌گذارد! مساله، اولویت‌هاست وگرنه مارادونا هم بعد از جام جهانی ۱۹۹۰ به تعطیلات رفت و استراحت کرد. بالاخره او هم انسان است. پلاتینی هم بعد از اندوه بسیار به خاطر دو شکست غم‌انگیز در جام‌های جهانی ۸۲ و ۸۶ رفت پیش خانواده‌اش. حتما هم در یک جای خوب. اما همان موقع هم می‌شد حدس زد که نه او، نه مارادونا، نه کرایف و نه خیلی از ستاره‌های کلاسیک فوتبال دنیا تا مدت‌ها نتوانستند آن شکست‌ها را در خودشان هضم کنند و به روال سابق برگردند؛ برعکس چهره سرشار از لذت و رضایت رونالدو در حال حمام آفتاب گرفتن در تعطیلات کنار خانواده‌اش. بحث دقیقا سر اولویت‌هاست. رونالدو نشان داد از اتفاقات جام خیلی هم ناراحت نیست. او چهار گل زد، سه گل بیشتر از رقیب همیشگی‌اش مسی، هر دوشان در مرحله یک‌هشتم حذف شدند و این یعنی نباید نگران تاثیر اتفاقات جام جهانی در انتخاب بهترین بازیکن دنیا باشد. ضمن اینکه توانسته چند رکورد را هم به نام خودش ثبت کند. پس باید هم بگوید که از جام راضی بوده. حالا باید بگردیم دنبال بازیکنان ایتالیای جام جهانی ۹۸ که بعد از حذف در ضربات پنالتی چنان ماتم‌زده بودند که انگار دنیا روی سرشان خراب شده. باید بگردیم دنبال زبان بندآمده بازیکنان فرانسه بعد از حذف در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۰۲. البته نباید مساله فشار بازی‌ها روی بازیکنان امروزی را نیز دور از ذهن داشت. پپ گواردیولا یک بار در مصاحبه‌ای عنوان کرد، این حجم از بازی در ی‌ک فصل برای بازیکنان حرفه‌ای چیزی شبیه برده‌داری است. در چنین شرایطی طبیعی است که بازیکنان باید هر لحظه برای رسیدن به تعطیلات و مرخصی له‌له بزنند. بازی چلسی-منچستریونایتد فصل پیش لیگ جزیره را به یاد بیاورید. جایی که مورینیو روی کاغذ چیزی می‌نویسد و می‌فرستد توی زمین برای ماتیچ. ویلیان سعی می‌کند آن را بخواند چون فکر می‌کند احتمالا یک دستور تاکتیکی مهم است، اما موفق نمی‌شود و بعد هم متوجه می‌شود چیزی از دست نداده. چون مورینیو روی کاغذ خطاب به ماتیچ نوشته بوده: به خاطر بازی خوبت سه روز مرخصی داری! نکته مهم این است که فکر کنیم این فشار از کجا ناشی می‌شود. باید فکر کنیم که بحث سرمایه و سرمایه‌داری چقدر در این فرآیند مهم است. یا سیستم ستاره‌سازی چطور در این ماجرا نقش ایفا می‌کند. به هر حال مدت‌هاست که دیگر شاهد آن اهمیتی که جام جهانی قبلا برای بازیکنان داشت نیستیم. اهمیتی که تورنمنتی مثل جام جهانی به عنوان ویترین فوتبال داشت برای ستاره‌های بزرگ از بین رفته. البته شاید هم انتظار ما از بازیکنانی که هویت‌شان این همه تحت تاثیر رسانه‌ها و پول قرار دارد، کمی بالاست. دست خودمان هم نیست. ما اشک‌های خدای فوتبال را در ۱۹۹۰ دیده‌ایم. حالا چطور باور کنیم که ستاره‌ای از حذف در جام جهانی به حد مرگ ناامید نشده باشد؟ چطور کنار بیاییم با قیافه‌های خندان و صورت‌های بشاش قهرمانان فوتبال در ویلاهای لوکس. چطور بپذیریم این گسست بزرگ بین ذهنیت اسطوره‌های سابق و فعلی دنیای فوتبال را؟ چطور؟

دیدگاه - ۲

در ضرورت بازی رده‌بندی

بازندگان برنده

سامان سعادت

مفهوم پیروزی و برنده شدن در فوتبال بسیار گسترده و در عین حال نسبی است. نسبیت نگاه در پیروزی و شکست. به عنوان مثال ما از گرفتن چهار امتیاز در جام جهانی احساس برنده بودن داشتیم، ژاپن با صعود به یک هشتم مردمش را خوشحال کرد، حذف برزیل در یک چهارم باعث شد مردم این کشور با گوجه و سنگ و تخم مرغ به استقبال اعضای تیم‌شان بروند، آلمانی‌ها اعضای تیم‌شان را به سرنوشتی که علیرضا مرزبان به زبان فارسی سخت گفت دچار کردند و مردم پاناما از زدن یک گل جشن گرفتند. مساله سر انتظاراتی است که تیم‌ها، ملت‌ها و رسانه‌ها دارند. برآورده شدن این انتظارات به معنی برد است و برآورده نشدن‌شان یعنی شکست. حالا اگر به وضعیت تیم‌های راه یافته به نیمه نهایی نگاه کنیم و ببینیم که آنها سال‌هاست موفقیت درخوری نداشته‌اند و رسیدن به جمع چهار تیم پایانی آرزوی‌شان بوده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که هر چهار تیم به نوعی با حضور در مربع قهرمانی، برنده به حساب می‌آیند. اما این فقط یک روی سکه است. مسابقات قهرمانی فوتبال اروپا، یعنی یورو و لیگ قهرمانان و لیگ اروپا اجازه نوع تفکر بالا را به تیم‌ها نمی‌دهد. یعنی در آن رقابت‌ها رسیدن به جمع چهار تیم پایانی با رسیدن به جمع هشت تیم و شانزده تیم فرقی نمی‌کند، به جز مسائل مالی. البته همان سال شاید بگویند: واااو فلان تیم عجیب نتیجه‌ای گرفت، رسید به جمع چهار تیم پایانی! اما چون این رسیدن در نهایت منجر به کسب مقام نمی‌شود، به زودی فراموش می‌شود. یعنی نه خود آن تیم، نه طرفداران و نه رسانه‌ها در موردش حرف زیادی نمی‌زنند. مثل موناکوی فصل ۱۷-۲۰۱۶ لیگ قهرمانان که با آن نتایج درخشان تا یک قدمی فینال رفت و بعدش هیچ. این مساله برعکس جام جهانی است که با برگزاری مسابقه رده‌بندی در عمل به تیم‌های راه یافته به نیمه نهایی مقامی می‌دهد که نشان بدهد آنها جزو چهار تای پایانی بوده‌اند. همین امر باعث می‌شود ما یادمان بیاید که تیم‌های سوم و چهارم جام‌های جهانی قبلی کدام کشورها بودند، مثلا یادمان هست که کرواسی در ۹۸ هلند را برد و سوم شد، یادمان هست که کره جنوبی در جام جهانی ۲۰۰۲ با شکست مقابل ترکیه چهارم شد، یادمان هست که آلمان پرتغال را در رده‌بندی جام جهانی ۲۰۰۶ برد و مدال برنز گرفت. اما برای اینکه یادمان بیاید کدام تیم‌ها به نیمه‌نهایی یورو ۲۰۰۴ رسیدند باید بیشتر فکر کنیم یا به گوگل متوسل شویم. همین‌طور برای یادآوری تیم‌های راه یافته به نیمه نهایی‌های چمپیونزلیگ. در اروپا وضعیت به این شکل است؛ یا قهرمان می‌شوی یا هیچی! نمونه این تفکر را در کنفرانس خبری سرمربی هلند، بعد از فینال جام جهانی ۲۰۱۰ دیدیم. وقتی تیمش با گل دقایق پایانی اینیستا قهرمانی را به اسپانیا واگذار کرد و دوم شد، گفت ما برای قهرمانی آمده بودیم و حالا احساس می‌کنم هیچ کاری نکرده‌ایم. نمی‌توان واقعا ارزشگذاری کرد که کدام سیستم بهتر است. شاید عده‌ای موفقیت مداوم تیم‌های اروپایی در جام جهانی را به این نوع تفکر که در آنها نهادینه شده ربط بدهند. آنها می‌آیند برای قهرمانی؛ چون باور کرده‌اند که جز قهرمانی یا حداقل بودن در فینال چیز دیگری وجود ندارد. اما از آن طرف گناه تیم‌های دیگر چیست؟ مثلا کره تا سال‌ها می‌تواند به افتخار چهارم شدن تیمش در جهان ببالد. یا اروگوئه که در آفریقای جنوبی توانست پس از بیش از نیم قرن دوباره «مقام» به دست آورد. اگر فقط قهرمانی در جام جهانی ارزش داشت، این کشورها و مردمش هیچ‌وقت طعم موفقیت را نمی‌چشیدند و تنها سرخوردگی همراه‌شان بود. مطمئنا اگر بازی رده‌بندی جام جهانی نبود، هیچ کس الان در مورد افتخارات کره نمی‌گفت؛ حضور در نیمه‌نهایی جام جهانی. حتی در بین خود اروپایی‌ها هم هستند تیم‌هایی که بازی رده‌بندی برای‌شان جذابیت دارد. بلغارستان ۹۴ را به یاد بیاورید، ترکیه ۲۰۰۲ را. همان ترکیه در یورو ۲۰۰۸ به نیمه نهایی رسید اما کمتر کسی یادش می‌آید. این آن روی دیگر سکه برای تیم‌های حاضر در نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۱۸ است. چهار تیمی که همه از اروپا آمده‌اند و حال سبک سنگین خودشان می‌تواند مشخص کند که آنها برنده‌اند یا بازنده. گرچه الان همه تیم‌های حاضر در نیمه نهایی به این فکر می‌کنند که حالا که تا اینجا آمده‌ایم چرا قهرمان نشویم، و این طرز فکر جالبی هم هست، اما بعد از این حرف‌ها آن چیزی که باقی می‌ماند این است: با نوع تفکر اول ما چهار تیم برنده داریم و با نوع تفکر دوم، سه تیم بازنده. این خط کشی به راحتی انجام می‌شود چون خدا را شکر، هیچ کدام از این تیم‌ها نمی‌توانند ادعا کنند ما برای قهرمانی وارد جام شدیم و هدفی جز رفتن روی سکوی اول نداشتیم. مثلا اگر برزیل یا آلمان یا اسپانیا در نیمه نهایی حضور داشتند، داستان کمی پیچیده می‌شد. مثل فرانسه یورو ۲۰۱۶ که با وجود حضور در فینال و شکست در وقت‌های اضافه مقابل پرتغال، شمایل یک تیم کاملا بازنده را داشت. ناگفته نماند که می‌توان این دو دیدگاه متفاوت در برگزاری مسابقات را از دیدگاه‌های کلی‌تر و جهانشمول‌تری بررسی کرد. مثلا تفکر بازنده/برنده را که مسابقات اروپایی ترویج می‌کنند و تا همین چند وقت پیش امریکایی‌ها هم به نوعی آن را بازتولید می‌کردند، با نداشتن چیزی به اسم مساوی در بازی فوتبال، را در بستر مقوله دوقطبی‌سازی تحلیل کرد. بعد آن را اهرمی در جهت حمایت از سرمایه‌داری عنوان کرد و به نکاتی رسید که شاید در نگاه اول کمتر دیده می‌شوند. مثلا وقتی هیچ چیزی غیر از قهرمانی ارزش نباشد، سایر تیم‌ها و مردم‌شان عملا هیچ‌وقت نمی‌توانند خودشان را آدم‌های برنده‌ای بدانند، چون آنها هیچ‌وقت قهرمان نمی‌شوند. همان برگزاری بازی رده‌بندی در جام جهانی هم به‌شدت به مساله سرمایه مرتبط است و قطعا فیفا صرفا به خاطر دلخوشی تیم‌های کوچک‌تر و دادن مقام به این تیم‌ها نیست که دلش می‌خواهد بازی رده‌بندی برگزار شود. به هر حال همه این مسائل، نکاتی قابل بحث هستند.

نگاه - ۱

رویای انگلیسی در آستانه بازی با کرواسی

آیا کجاست جامی...

علی کربلایی

«داره میاد خونه» شعار هوشمندانه انگلیسی‌ها برای جام جهانی است. اشاره آنها به کاپ قهرمانی این رقابت‌هاست که به خانه فوتبال برمی‌گردد. آنها با این شعار در حال یادآوری این موضوع هستند که فوتبال متعلق به آنهاست و انگلستان خانه فوتبال است. موضوعی که ریشه در تاریخ این ورزش دارد و اینکه انگلیسی‌ها فوتبال را تبدیل به یک پدیده جهانی کردند و قوانین آن را به این شکل فعلی مدون کردند. حالا بیش از نیم قرن از اولین و آخرین قهرمانی تاریخ فوتبال انگلیس در جام جهانی می‌گذرد. کشور پرادعایی که فوتبال را برای خودش می‌داند و همواره معتقد است بهترین‌ها را پرورش می‌دهد. اما همواره شکست می‌خورند و این ادعای‌شان تبدیل به چیزی مثل شوخی شده است. «داره میاد خونه» با وجود اینکه هوشمندانه و جذاب انتخاب شده، اما راه شوخی را هم باز گذاشته است. افرادی می‌گویند این جام برای اینکه به خانه بیاید ابتدا در اروگوئه، برزیل، آلمان و ایتالیا یک چرخ زده و سپس رسیده به «خانه» و بعد از آن هم از خانه فرار کرده و به هر جایی که فکر کنید سفر کرده، اما به «خانه» برنگشته است. جام جهانی مانند یک بچه فراری از خانه، راه کشورهای مختلف را در پی می‌گیرد. به آرژانتین و اسپانیا سفر می‌کند؛ آلمان، ایتالیا و برزیل را چندباری دور می‌زند و حتی یک سفر تفریحی به فرانسه هم می‌رود، اما حاضر نیست به خانه برگردد. اینها همه شوخی‌هایی است که با این شعار می‌شود. جامی که دور دنیا چرخیده قرار است به خانه برگردد و انگلیسی‌ها خیلی امیدوارند در این راه موفق شوند. اما مرجع آماری اوپتا، انگلیس را بعد از فرانسه و بلژیک و کرواسی شانس چهارم قهرمانی بین چهار تیم باقی‌مانده می‌داند. انگلیس بعد از مدت‌ها به جمع چهار تیم برتر جهان رسیده و حالا باید امشب ساعت ۲۲:۳۰ به مصاف کرواسی برود. کرواسی تیمی است که جانش در بازی‌های قبلی گرفته شده و قطعا یارای با تمام توان بازی کردن را ندارد. آنها دو بازی پیاپی کارشان به وقت‌های اضافه و ضربات پنالتی کشیده شده است. حسابی خسته هستند و انگلیس کافی است با مدیریت بازی و دواندن توپ، حریف را از آنچه هست خسته‌تر کند و در ۲۰ دقیقه پایانی کار کرواسی را تمام کند. گرت ساوت‌گیت موجی از انتقادات را خرید تا به این مسیر ساده برای صعود به فینال برسد. او حاضر شد یک «بزدل» خطاب شود، اما تیمش به فینال جام جهانی برسد. تنها یک قدم مانده تا این اتفاق رخ بدهد و باید دید هری کین می‌تواند یارانش را برای رسیدن به این موقعیت تاریخی رهبری کند یا خیر؟ کرواسی با وجود خستگی، همچنان تیم قلدری است. آنها همچنان خط میانی فوق‌العاده قدرتمندی دارند و انگلیسی‌ها برای اینکه بتوانند مقابل این تیم توپ را در اختیار داشته باشند کار سختی دارند. مودریچ و راکیتیچ از تمام هافبک‌های انگلیسی بازیکنان بهتری هستند و حتی در این مسابقه احتمال دارد کواچیچ از ابتدا به میدان برود که این موضوع می‌تواند کار سه‌شیرها را سخت‌تر از قبل هم بکند. ضمن اینکه انگلیس با دفاع سه نفره بازی می‌کند و این مساله عرض زمین را برای کروات‌ها باز می‌گذارد. البته که روز گذشته شایعاتی مطرح شد که ورسالیکو مدافع راست کرواسی بازی مقابل انگلیس را از دست داده و این موضوع می‌تواند کار دالیچ را سخت کند. به هر حال انگلیس به دنبال کاپ قهرمانی جام جهانی سال‌هاست دربه‌در شده و همیشه بابت ادعاهای زیادش مورد تمسخر قرار گرفته است. شاید بهتر بود امسال هم می‌گفتند: «کسی جام ما را ندیده؟» تا اینکه بگویند: «داره میاد خونه»

یادداشت

به سوی عقل دوراندیش

بهرام سرگوسرایی

در برزیل و آرژانتین به ندرت اتفاق افتاده که یک مربی نتواند در جام جهانی نتیجه بگیرد و فدراسیون فوتبال این دو کشور بخواهند آن سرمربی را حفظ کنند. اگر سری به تاریخچه این دو تیم بزنیم با موارد انگشت‌شماری از حفظ سرمربی بعد از نتیجه نگرفتن تیم در جام جهانی مواجه می‌شویم. کلا مدت زمان سرمربیگری یک شخص در این دو کشور معمولا به درازا نمی‌کشد. طولانی‌ترین دوره مربیگری در فوتبال برزیل مربوط می‌شود به زاگالو که در دو جام جهانی ۷۰ و ۷۴ هدایت طلایی پوشان را به عهده داشته که البته دلیل تداوم او قهرمانی در جام جهانی ۷۰ بوده. هرچند سایر مربیانی که توانسته بودند برزیل را قهرمان کنند هم بعد از جام از تیم خداحافظی کردند و اگر دوباره سرمربی سلسائو شدند، مربوط به چند سال بعد بوده. مثل اسکولاری که یک بار در ۲۰۰۲ و یک بار هم در ۲۰۱۴ در این سمت بوده یا سانتانا تا که از سال ۸۰ تا ۸۲ و بعد از آن از سال ۸۵ تا ۸۶ هدایت برزیل را به عهده داشته. در دو جام جهانی ۸۲ و ۸۶. در آرژانتین هم وضعیت تقریبا به همین شکل است. اگر سزار لوییس منوتی هشت سال هدایت آرژانتین را به عهده داشت، به خاطر قهرمانی در جام جهانی ۱۹۷۸ بوده یا اگر بیلاردو توانست در دو جام جهانی روی نیمکت آلبی سلسته بنشیند به خاطر موفقیتش در جام جهانی ۱۹۸۶ بوده. از آن طرف گیلرمو استابیله را داریم که از سال ۳۹ تا ۶۰ هدایت آرژانتین را به عهده داشته و البته فقط در یک دوره جام جهانی با آرژانتین حضور داشته، جام جهانی ۵۸. این مقدمه طولانی از وضعیت سرمربیگری تیم‌های برزیل و آرژانتین را آوردم تا نشان بدهم خبر تمدید قرارداد تیته با برزیل و سمپائولی با آرژانتین با وجود نتیجه نگرفتن این دو تیم در روسیه مساله‌ای مهم و تازه به حساب می‌آید. البته تمدید قرارداد تیته خیلی دور از ذهن نبود. با توجه به نتایج درخشانی که این مربی با برزیل گرفته و تنها نقطه تاریکش حذف مقابل بلژیک است، بیشتر کارشناسان بر این باور بودند که او باید در راس تیم ملی برزیل بماند. البته اگر او اخراج می‌شد هم کسی تعجب نمی‌کرد، چون سیاست تغییر مربی در فدراسیون فوتبال برزیل امری طبیعی است. کافی است به اخراج سرمربی‌های سابق این تیم بعد از نتیجه نگرفتن‌های برزیل نگاه کنیم. به اخراج پیمنتا و کوتینیو از سال‌های دور تا دونگا و پریرا در همین اواخر. اما نگه داشتن سمپائولی بعد از آن شرایط عجیب تیم آرژانتین و بحث و جدل‌های بسیار در مورد باندبازی و تام‌الاختیار نبودن سرمربی و در نهایت حذف در یک‌هشتم، از تمدید تیته هم جالب‌تر است. بعد از جام جهانی سمپائولی اعلام کرد که قصد استعفا ندارد و فدراسیون آرژانتین فهمید برای رد کردن او باید مبلغ زیادی را به عنوان غرامت پرداخت کند. البته که این باعث نمی‌شود که فکر کنیم مسوولان فوتبالی آرژانتین صرفا به خاطر آن یک میلیون دلار مجبور به حفظ سرمربی شده‌اند. به نظر می‌رسد حرکت از عقل هیجانی مردمان امریکای جنوبی به سمت عقل دوراندیش اروپایی را باید دلیل حفظ سرمربیان دو تیم مطرح فوتبال جهان دانست. آرژانتینی‌ها نخواستند با تکیه بر حواشی و حرف و حدیث‌ها تصمیم بگیرند. اگر چند نفر گفته‌اند که مثلا در تیم باندبازی وجود داشته، از آن طرف دستیار سابق سمپائولی هم این مساله را تکذیب کرده. پس با توجه به منطق باید به فدراسیون‌های این دو کشور تبریک گفت. فدراسیون‌های دو کشور احتمالا پیش خودشان تحلیل کرده‌اند که ثبات می‌تواند در آینده به دردمان بخورد چرا که هم تیته و هم سمپائولی مربیانی هستند که آزمون خودشان را قبلا پس داده‌اند و ثابت کرده‌اند مربیان فوتبال‌بلدی هستند. پس منطقی است که فرصت بیشتری در اختیار این دو شخص بگذاریم.

نگاه - ۲

بلژیکی‌ها در اندیشه تاریخ‌سازی

کودکانی که بزرگ شدند و ستاره

بلژیک سال ۲۰۱۰ برای صعود به جام جهانی آفریقای جنوبی مقابل بوسنی و هرزگوین شکست خورد و از راهیابی به این رقابت‌ها بازماند. بلژیک در آن سال در رنکینگ فیفا از بورکینافاسو هم پایین‌تر بود. البته این اولین ناکامی فوتبال آنها نبود. بلژیک در واقع فقط یک بار به نیمه‌نهایی جام جهانی رسیده و آن یک بار هم نه به دلیل تیم پرستاره، که به خاطر تیم منسجم‌شان بوده. اما یورو ۲۰۰۰ نقطه طلایی فوتبال بلژیک است. ورنر هلسن، استاد دانشگاه لوون بلژیک، با مسوولان فدراسیون فوتبال صحبت کرد و پرسید مشکل این فوتبال دقیقا کجاست؟ پاسخی که او شنید کوتاه و سخت بود: «همه‌چیز این فوتبال مشکل دارد.» اینکه فکر کنید امروز بلژیک اتفاقی یک نسل پرستاره دارد کاملا ساده‌لوحانه است.

سال ۲۰۰۲ یک روزنامه چاپ بلژیک تعدادی از استعدادهای مطرح کشور را معرفی کرد؛ لیستی باورنکردنی که تقریبا تمام‌شان تبدیل به فوتبالیست‌هایی بزرگ شدند. ادن آزار، اکسل ویتسل، ونسان کمپانی، کوین دی‌بروین، سایمون مینیوله، دریس مرتنز، روملو لوکاکو، موسی دمبله و یان فرتونگن، از جمله بازیکنانی هستند که در این جام شرکت دارند و در آن لیست هم حضور داشتند. همچنین نام بازیکنانی مثل کریستین بنتکه، کوین میرالاس و... نیز به چشم می‌خورد که آنها نیز به تیم ملی بلژیک دعوت می‌شدند ولی به خاطر افتی که در چند فصل اخیر داشته‌اند، از تیم ملی بلژیک برای جام جهانی خط خوردند. تیم‌های پایه بلژیک در این سال‌ها با سیستم ۴-۳-۳ بازی می‌کردند که هیچ ربطی به تاریخ فوتبال این کشور نداشت. آنها همیشه یک فوتبال دفاعی داشتند و در تمام رده‌ها بر همین اساس کار می‌کردند. اما بلژیکی‌ها متوجه شدند که باید به پرورش استعدادهای هجومی بیندیشند و به آنها بهای بیشتری بدهند.

van onze Duivels

مدیر تیم‌های ملی بلژیک، در تمام این سال‌ها آقای سابلون بوده؛ کسی که به هلسن اعتماد کرد و با برنامه‌های عملی و تئوریک او برای پیشرفت فوتبال بلژیک حرکت کرد. بلژیک امروز بااستعدادترین فوتبالیست‌های دنیا را دارد و تقریبا پرستاره‌ترین تیم جهان است. سابلون معتقد بود این تغییرات و رسیدن بازیکنانی که در سیستم جوانان اساسا دگرگون‌شده فوتبال بلژیک پرورش یافته‌اند به تیم ملی، بلژیک را به تیمی تبدیل می‌کند که بی‌رحمانه به حریفان حمله کرده و حتی یک لحظه از یورش به سمت دروازه حریف غافل نمی‌شود. فراموش نکنید که تا پیش از شروع نیمه‌نهایی، بلژیک قدرتمندترین خط حمله رقابت‌ها را داشته است. بلژیک یک تیم تازه به دوران رسیده است، به مفهوم بد این واژه توجه نکنید. آنها در حال رقم زدن دوران جدیدی هستند که خود می‌توانند رهبرش باشند. بلژیک بعد از مدت‌ها وارد جمع مدعیان قهرمانی در اروپا و جام جهانی شده است.

WE'RE ON OUR WAY

چهره - ۱

هری کین گرد مولر انگلستان

هری کین، پیش از شروع رقابت‌ها توسط مرجع آماری اوپتا به عنوان با ارزش‌ترین بازیکن جام معرفی شد. برآوردها نشان می‌دهد هری کین چیزی حدود ۲۰۱ میلیون یورو قیمت دارد و اگر تاتنهام با قیمتی کمتر از این واگذارش کند، ضرر کرده است. با شروع جام جهانی و درخشش کین در دور گروهی، صحبت‌ها در مورد هری کین هم بیشتر شد. حالا او شش گله است و این فرصت را دارد تا با زدن دو گل دیگر به رکورد رونالدوی برزیلی در سال ۲۰۰۲ برسد. همچنین اگر کین یک گل دیگر به ثمر برساند، رکورد گری لینه‌کر به عنوان برترین گلزن انگلیسی در یک دوره جام جهانی را هم می‌شکند. هری کین حتی می‌تواند به رکورد گرد مولر در دو بازی باقی‌مانده حمله کند و ۹ گله شود. اما اینها همه چیزی که از هری کین خواهیم دید، نیست. او می‌داند درخشش در جام جهانی، افق‌های تازه‌ای را برای او در دسترس قرار خواهد داد. کین می‌تواند رکورد نقل و انتقالات را جابه‌جا کند و با رقم نجومی ۲۵۰ میلیون یورو به رئال مادرید بپیوندد. انتقالی که بعد از قطعی شدن جدایی کریس رونالدو و بیشتر از آن خواهید خواند. رئال قصد دارد او و ادن هازارد را به ترکیب تیم اضافه کند تا جور رفتن کریستیانو و همچنین نداشتن یک مهاجم شماره ۹ تمام‌کننده را بکشند. برای فلورنتینو پرس بازی‌های جام جهانی اهمیت زیادی دارد و معمولا بهترین بازیکن‌های هر جام را با هر قیمتی که شده به مادرید می‌آورد. اتفاقی که پیش‌تر برای رونالدو، کاناوارو، اوزیل و خامس رودریگس رخ داده بود می‌تواند با شکل و شمایلی «کهکشانی‌تر» برای کین و هازارد هم رخ بدهد. هری کین یک پنالتی‌زن خبره است و اگر امشب کار به ضربات پنالتی بکشد یا در طول بازی چنین فرصتی نصیب کین شود، بعید است که آن را از دست بدهد. او از این نظر یک آمار بی‌نظیر دارد و تنها بازیکن این جام است که بیش از دو ضربه پنالتی به سمت دروازه‌ها زده و همه آنها را گل کرده است. ضمن اینکه او در جریان بازی هم تاثیر زیادی روی پرس حریف دارد. همچنین برای توپ‌گیری به عقب زمین می‌آید و منتظر هافبک‌های تیمش نمی‌نشیند تا توپ‌های آماده تحویلش بدهند. نقشه گرمایی او در چهار بازی گذشته نشان می‌دهد که هری کین در تمام نقاط زمین حریف به علاوه نقاط زیادی از میانه میدان خودی حضور داشته و یکی از رموز موفقیت تیم گرت ساوت‌گیت، جاعوض کردن‌های مداوم هری کین بوده.

چهره - ۲

یک قدم تا افسانه

سرمربی ۵۱ساله تیم ملی کرواسی، این کشور را پس از بیست سال به جمع چهار تیم پایانی جام جهانی رسانده و این فرصت را دارد تا امشب تاریخ‌ساز بشود. گذشته او بسیار جالب است و اگر کسی دو سال پیش می‌گفت تیمی که دالیچ هدایت آن را بر عهده دارد یکی از چهار تیم برتر جام جهانی خواهد بود، حتما به او می‌خندیدند. مردی که ۵ سال در تیم ملی کرواسی دستیار بود و پس از آن به سرمربی‌گری رژیکا رسید. بعد از این قید حضور در کشورش را زد به لیگ آلبانی رفت و با تیم دینامو تیرانا سوپرکاپ را فتح کرد. بعد به کرواسی برگشت و در چند تیم مشغول به کار شد، اما هرگز موفق نشد در فوتبال کرواسی در اروپا موفق باشد. در نهایت قید حضور در اروپا را زد و سال ۲۰۱۰ به عربستان سعودی و تیم الفیصلی آمد. او در این تیم هم موفق نبود و به عنوان خاصی نرسید. اما در فوتبال این کشور شناخته شد و هدایت تیم دوم الهلال را عهده‌دار شد. او خیلی زود به تیم اول رسید و قهرمان جام حذفی عربستان شد و در لیگ دوم شد. اوج کار او زمانی بود که به امارات رفت و هدایت العین را بر عهده گرفت. او العین را به نایب قهرمانی لیگ قهرمانان آسیا رساند و با این تیم لیگ برتر را جارو کرد. در نهایت عملکرد او مدیران العین را هم راضی نکرد و با این تیم قطع رابطه کرد. بعد از اینکه او بیکار شد، باشگاه استقلال که در بحران بود به این سرمربی کروات پیام داد و تماس‌هایی با هم رد و بدل کردند. دالیچ در مورد این اتفاقات حدود ۱۰ ماه پیش گفت: «یکی از مسوولان استقلال با من صحبت کرده است تا هدایت این تیم را برعهده بگیرم اما من این پیشنهاد را موقتا به تاخیر انداخته‌ام تا پیشنهاد بهتری برسد. فعلا در کرواسی هستم و تعطیلات خود را پشت سر می‌گذارم و تا این لحظه با استقلال قراردادی امضا نکرده‌ام.» و پیشنهاد بهتر رسید و او سرمربی تیم ملی کرواسی شد. بعد از اولین بازی‌هایش گفت که دوست داشتم یازده‌تا بازیکن مثل مانژوکیچ داشته باشم، اما بنای تیمش را روی توانایی‌های مودریچ و راکیتیچ بنا کرده است. دالیچ حالا چیزی تا تبدیل شدن به یک افسانه فاصله ندارد. پیروزی مقابل انگلیس می‌تواند نام دالیچ را برای همیشه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نام‌ها در فوتبال کرواسی ثبت کند. آیا امشب دالیچ از بلاژ بزرگ‌تر می‌شود یا نه؟ باید ببینیم.

کوتاه از جام جهانی

- خوزه لوییس چیلاورت، سنگربان سابق تیم ملی فوتبال پاراگوئه بر این باور است که برنده دیدار بلژیک و فرانسه جام قهرمانی را در روسیه بالای سر خواهد برد.
- ژاوی، ستاره سابق تیم ملی فوتبال اسپانیا و بارسلونا به ستایش دو بازیکن کلیدی و تاثیرگذار کرواسی پرداخت و اعلام کرد راکیتیچ و مودریچ کامل‌ترین هافبک‌های جهان هستند.
- زنان خبرنگار جام‌جهانی ۲۰۱۸ در اعتراض به آزارهای جنسی و توهین‌های صورت گرفته به آنها در جریان برگزاری این رقابت‌ها کمپین تشکیل دادند.
- ۲۸ سال زمان برد تا انگلیس بتواند دوباره نیمه نهایی جام جهانی را تجربه کند. این تیم در نیمه نهایی جام جهانی ۱۹۹۰ در ضربات پنالتی مغلوب آلمان شد. ۱۶ بازیکن انگلیس در آخرین موفقیت جهانی تیم‌شان هنوز متولد نشده بودند.
- تاتنهام انگلیس با ۹ بازیکن بیشترین بازیکن را در مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی دارد. تیم‌های چلسی، منچسترسیتی و منچستریونایتد با ۷ بازیکن در رده‌های بعدی قرار دارند. لیورپول، بارسلونا، پاری سن ژرمن و موناکو هم با ۴ بازیکن در این رده‌بندی در جایگاه بعدی قرار دارند.
- بیلیچ، سرمربی اسبق کرواسی که در انگلیس مربیگری کرده، شانس پیروزی تیم سابقش را مقابل سه‌شیرها بسیار زیاد می‌داند و می‌گوید انگلیس را دوست دارم اما ۹۹ درصد کرواسی برنده می‌شود.
- دیتمار هامان، هافبک اسبق مانشافت در مصاحبه‌ای عنوان کرد آلمان فاقد فرمانده‌ای واقعی در جام جهانی روسیه بود.
- روس‌ها بر این باور هستند که بعد از برگزاری مسابقات جام جهانی می‌توانند میزبانی پیکارهای المپیک را بگیرند.
- ماتیوس، کاپیتان آلمان در جام جهانی ایتالیا گفت: امباپه می‌تواند به دوران یکه‌تازی مسی و رونالدو پایان دهد.
- وین رونی، رکورددار گلزنی سه‌شیرها آنقدر تحت تاثیر بازی تیم انگلیس قرار گرفته که از قهرمانی حرف می‌زند و می‌گوید آرزو می‌کنم انگلیس با جام قهرمانی به کشور باز گردد.
- رییس فدراسیون فوتبال کرواسی اعضای تیمش را به صرف میهمانی شام برای ایجاد همبستگی بیشتر نزد شطرنجی‌ها دعوت کرد.
- ابقای خورخه سامپائولی در مسند سرمربیگری آلبی‌سلسته باعث عصبانیت رسانه‌های آرژانتین شده است.
- ۱۵ بازیکن تیم ملی فوتبال فرانسه اصلیتی آفریقایی دارند.
- جونیت چاکر، داور ترکیه‌ای دیدار کرواسی - انگلیس در مرحله نیمه نهایی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را قضاوت خواهد کرد.
- سایت اوپتا درصد قهرمانی ۴ تیم حاضر در مرحله نیمه نهایی جام جهانی ۲۰۱۸ را اعلام کرد که خروس‌های آبی بیشترین شانس را برای کسب جام دارند.
- ونگر سرمربی سابق توپچی‌های لندن می‌گوید اوزیل جام جهانی، اوزیل واقعی نبود.

بازی امروز	بهترین گلزنان
انگلیس-کرواسی ۲۲:۳۰	۶گل: هری کین ۴گل: کریس رونالدو، روملو لوکاکو، دنیس چریشف ۳گل: دیه‌گو کاستا، لوکا مودریچ، کیلیان امباپه